

از دواج خوب، خیلی خوبه!

به پنج عامل مهم زیر بستگی دارد:

هدف از ازدواج: درک صحیح از ازدواج و مسایل مربوط به آن موجب می شود تا انسان هدفمندانه گام در این مسیر بگذارد و این زمانی امکان دارد که فرد به بلوغ عقلی، فکری، روحی و جسمی رسیده باشد.

ملاک ها و معیارهای همسرگزینی: بلوغ موجب می شود که انسان بتواند ملاک ها و معیارهای مورد نظر خود را برای یافتن جفت مناسب مشخص کند.

توجه به تناسب و سنجش: «هم کفویت» یا تناسب زوجین عامل اساسی تداوم ازدواج در عصر حاضر است که متأسفانه کمتر مورد توجه قرار می گیرد.

قدرت انطباق: توجه به تفاوت ها و درک آن اهمیت زیادی دارد و این قدم اول در ایجاد روابط بوده و قدم بعدی تلاش برای کنار آمدن با همسر است، در حالی که متأسفانه در شرایط فعلی «شبیه سازی» یا «هماندسازی» افراد، هدفی است که خواسته و یا ناخواسته دنبال شده و تداوم حیات را با مشکل مواجه می سازد.

نقش پذیری: تعریف زندگی و مشخص بودن نقش هر یک از افراد عامل بسیار حیاتی است.

در کل ازدواج یک ضرورت بوده و پیوند مقدسی است که هدف نهایی در آن نیز رسیدن افراد به آرامش و آسایش روحی و روانی است و این زمانی امکان دارد که انسان عاقلانه زندگی کرده و عاقلانه ازدواج کند و بداند که فقط یک ازدواج خوب، خیلی خوبه!

زن و مرد شود:

از خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدان ها آرام گیرید و میانتان دوستی و رحمت نهاد. (سوره روم، آیه ۲۱) و بر این اساس مهم ترین ملاک و معیار برای یافتن یک جفت مناسب در زندگی، رسیدن به فردی است که حضور او در زندگی انسان موجب «آرامش» هر دو - زن و مرد - شود و این مهم ترین عامل برای تداوم یک ازدواج و یا عدم آن و در نتیجه مهم ترین ملاک نیز هست. خداوند همچنین می فرماید: اوست آن کس که شما را از نفس واحدی آفرید و جفت وی را از آن پدید آورد تا بدان آرام گیرید. (سوره اعراف، آیه ۱۸۹)

از دواج و پیوند زن و مرد که هر یک دارای صفات و خصوصیات مختلف و مخصوص به خود هستند باعث می شود که روند تکاملی خلقت و ادامه حیات که یکی از اهداف آفرینش است، تحقق یافته و زندگی انسان نیز با شور و نشاط ادامه یابد و این بعد از رسیدن به مرحله عبودیت و ترس از خدا، بهترین توشه است. پیامبر می فرماید: «انسان مومن، بعد از تقوا، بهره ای بهتر از همسر شایسته نبرده است.» (میزان الحکمه، ج ۵، ص ۲۲۶۹)

رسیدن به این هدف زمانی امکان دارد که انسان بتواند همسر شایسته خود را بیابد و این سخت ترین مرحله یک ازدواج و ایجاد پیوند مشترک است که امروزه کمتر مورد توجه قرار گرفته و در نهایت همین عامل باعث می شود بیشتر ازدواج ها به شکست انجامد. یافتن همسر شایسته (بر خلاف تصور رایج) با نحوه همسر یابی و آشنایی اولیه ارتباطی نداشته و

زوجیت یک پدیده بسیار طبیعی در عالم خلقت است و بر طبق فرموده خداوند در قرآن، اساس آفرینش جهان نیز بر زوجیت قرار دارد. (سوره زاریات، آیه ۴۹) و همچنین در قرآن بر زوجیت گیاهان نیز جداگانه تأکید شده است. (سوره رعد، آیه ۳) و به نظر می رسد که این آیه ها به ضرورت زوجیت و لزوم آن در جهان آفرینش دلالت دارد و نشان می دهد که اگر زوجیت نباشد جهان خلقت نیز کامل نخواهد بود.

دو نقش عمده زوجیت در حیات اجتماعی انسان، ادامه حیات و تکامل این موجود است. زیرا زن و مرد به تنهایی قادر به ادامه حیات نبوده و با ازدواج، یکدیگر را کامل کرده و با زاد و ولد موجب تداوم حیات اجتماعی می شوند و از این جهت پدیده «ازدواج» یک ضرورت اجتماعی به حساب می آید. اما از نظر دینی ارتباط زن و مرد در حدی است که جداسازی میان آنها محال است. زیرا خداوند آن دو را از یک جنس مکمل آفرید. (سوره نساء، آیه ۱) و این آیه همچنین (با وجود تأکید بر تفاوت ها و تمایزات) گویای برابری زن و مرد در پیشگاه خداوند است. با توجه به آیات ذکر شده می توان به این نتیجه رسید که زوجیت یک امر بسیار ضروری در زندگی انسان است و همین عامل مهم منجر به پدید آمدن «ازدواج» شده و به حیات اجتماعی معنی و مفهوم می بخشد.

با وجود ضرورت اجتماعی ازدواج، اما خداوند در قرآن مهم ترین فلسفه آن را «سکونت» یا «آرامشی» می خواند که منجر به «دوستی» و «مهربانی» بین

با وجود ضرورت اجتماعی ازدواج، اما خداوند در قرآن مهم ترین فلسفه آن را «سکونت» یا «آرامشی» می خواند که منجر به «دوستی» و «مهربانی» بین زن و مرد شود